

— مریم صدیقی
فارغ التحصیل کارشناسی ارشد
رشته اسناد و مدارک و آرشیوی دانشگاه تهران

جز این قدر نتوان گف در جمال تو عیب

نگاهی به کتاب سیاق:
تاریخ، آموزش، دیوان سالاری و ریاضی حسابداری

۱۰۲-۹۱

چکیده: شمار بسیاری از اسناد مالی تاریخ ایران به خط سیاق نگاهشته شده است و برای درک تاریخ اقتصادی ایران این مرزوبوم در دوره های صفوی و قاجاری و یا حتی پیش از آن، باید این خط بازشناسی شود تا گره‌گشای بازخوانی اسناد و مکتوبات تاریخی باشد. بنابراین اهمیت نگارش اثری در شناساندن سیاق در دوره های مختلف تاریخی واضح است. کتاب دوجلدی سیاق (تاریخ، آموزش، دیوان سالاری و ریاضی حسابداری)، نوشته اسدالله عبدلی آشتیانی (تهران: سفیراردهال، چاپ اول: ۱۳۹۵) تازه ترین کتابی است که درباره آموزش سیاق به طبع رسیده و اطلاعات جزئی و گسترده ای درباره سیاق گردآورده است. نویسنده نوشتار حاضر را با هدف معرفی و نقد کتاب مذکور، به رشته تحریر درآورده است. وی در راستای این هدف، نخست اطلاعاتی درباره اسدالله عبدلی آشتیانی بیان کرده و در ادامه، منابع اصلی مورد استفاده نویسنده در نگارش کتاب را تشریح می نماید. ارائه گزارشی از محتوا و بخش های کتاب سیاق و بیان نقاط قوت و نقد ظاهری و محتوایی آن، از دیگر مباحث مطرح شده در نوشتار است.

کلیدواژه: کتاب سیاق، معرفی کتاب، نقد کتاب، اسناد مالی، تاریخ ایران، خط سیاق، تاریخ اقتصادی ایران، اسدالله عبدلی آشتیانی، آموزش سیاق.

The Only Criticism that I Can Have of You

By: Maryam Seddiqi

Abstract: Many of the financial documents of Iran's history have been written down in Siāq handwriting. So, in order to have a better understanding of the economic history of this country in the Safavid and Qajar periods, or even before that, this handwriting should be recognized to help us reread the historical documents and writings. Therefore, the importance of writing a book to introduce and describe this handwriting in different periods of history is obvious. The two-volume book Siāq (history, education, bureaucracy and accounting math), written by Asadullah Abdoli Ashtiāni (Tehran: Safir-e Ardihal, First Edition: 1395) is the latest book on teaching Siāq, and has gathered some detailed and comprehensive information about this subject. The author of the following paper intends to introduce and criticize the mentioned book. Regarding this, he first of all presents some information about Asadullah Abdoli Ashtiāni, and then describes the main sources used by the author in writing the book. Providing a report on the content and sections of the book, and expressing its strengths, as well as its structural and content criticism are among the other topics discussed in the article.

Key words: Siāq, book report, book criticism, financial documents, the history of Iran, Siāq handwriting, economic history of Iran, Asadullah Abdoli Ashtiāni, teaching Siāq.

لا عیب فیک سوی هذا القلیل

مریم صدیقی

كان الخط الغالب في تدوين العدد الكبير من الوثائق المالية في تاريخ البلاد الإيرانية هو خط السياق، مما يجعل إدراك التاريخ الاقتصادي لهذه الديار في العصرين الصفوي والقاجاري - بل حتى ما قبلهما - متوقفاً على تعلم قواعد ذلك الخط كي يمهّد السبيل أمام مطالعة الوثائق والمدونات التاريخية.

وعلى هذا تتضح أهمية الكتابة في مجال تعليم هذا الخط وخصائصه في الأدوار التاريخية المختلفة.

وفي هذا الإطار يأتي تأليف المجلدين من كتاب السياق (التاريخ، التعليم، أمانة المكاتب ورياضيات المحاسبات) من تأليف أسد الله عبدلي آشتياني (تهران، أردمهال، الطبعة الأولى، ۱۳۹۵) باعتباره أحدث الكتب الصادرة حول تعليم خط السياق، ليضم بين دفتيه المعلومات الدقيقة والمفضلة عن هذا الخط.

أما المقال الحالي فيهدف كاتبه منه إلى التعريف بهذا الكتاب ونقده، مبتدئاً بتقديم بعض المعلومات للقارئ عن مؤلف الكتاب أسد الله عبدلي آشتياني، ثم يفضل المصادر الأساسية التي استفاد منها المؤلف لتأليف كتابه هذا.

كما يشتمل المقال على تقرير عن محتويات الكتاب وأقسامه المختلفة، مع التنبيه على نقاط القوة فيه ونقد شكله ومحتواه.

المفردات الأساسية: كتاب السياق، تعريف الكتاب، نقد الكتاب، الوثائق المالية، تاريخ إيران، خط السياق، تاريخ إيران الاقتصادي، أسد الله عبدلي آشتياني، تعليم خط السياق.

جزاین قدر نتوان گفت در جمال تو عیب

_____ نگاهی به کتاب سیاق: تاریخ، آموزش، دیوان سالاری و ریاضی حسابداری

_____ مریم صدیقی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد
رشته اسناد و مدارک و آرشیوی دانشگاه تهران

سیاق: تاریخ، آموزش،
دیوان سالاری و ریاضی
حسابداری؛ اسدالله عبدلی
آشتیانی: سفیراردهال، ۱۳۹۵.

اشاره

شمار بسیاری از اسناد مالی تاریخ ایران به خط سیاق نگاشته شده است و برای درک تاریخ اقتصادی این مرزوبوم در دوره‌های صفوی و قاجاری یا حتی پیش از آن باید این خط بازشناسی شود تا گره‌گشای بازخوانی اسناد و مکتوبات تاریخی باشد. بنابراین اهمیت نگارش اثری در شناساندن سیاق در دوره‌های مختلف تاریخی واضح است. در این زمینه پژوهش‌های معدود و انگشت‌شماری در قالب یک مجموعه مدون به انجام رسیده است که می‌توان به کتاب «کوششی در آموزش خط سیاق» نوشته جواد صفی نژاد (کتابخانه ملی، ۱۳۸۷) و کتاب «ده درس در شناخت سیاق: خواندن و نوشتن اعداد، کسرها، مدات؛ آشنایی با اسناد، دفاتر و اصطلاحات» نوشته عمادالدین شیخ الحکمایی (دانشگاه ماربورگ، ۲۰۱۳) اشاره کرد. کتاب دو جلدی سیاق (تاریخ، آموزش، دیوان سالاری و ریاضی حسابداری)؛ نوشته اسدالله عبدلی آشتیانی (تهران: سفیراردهال، چاپ اول: ۱۳۹۵) تازه‌ترین کتابی است که درباره آموزش سیاق به طبع رسیده و اطلاعات جزئی و گسترده‌ای درباره سیاق گردآورده است.

درباره اسدالله عبدلی آشتیانی

اسدالله عبدلی آشتیانی در ۱۳۴۶ در آشتیان، از جمله مراکز آموزش سیاق متولد شد و از کودکی به کمک پدرش که دکان آهنگری داشت و محاسبات و مخارج دکان را به خط سیاق می‌نوشت، با سیاق خوانی و سیاق نویسی ابتدایی آشنا شد. پس از پایان مقطع دبستان، با کمک پدر و دوستان پدر، در بازار آشتیان صورت حساب‌های ساده سیاقی را رقم می‌زد. ایشان در سال ۱۳۷۳ به تهران آمد و در مؤسسات و گروه‌های مختلف علاقمند به سیاق مشارکت کرد و به تدریس سیاق پرداخت. با وجود علاقه ایشان به دست‌یابی به سطوح بالاتر دانش سیاق، این مهم زمانی میسر شد که دو کتاب به ایشان معرفی شد: کتاب «کوششی در آموزش خطی سیاق» نوشته جواد صفی نژاد و کتاب «مجمع الجواهر در علم سیاق و حساب» تألیف میرزا حسن خان تفرشی (منطق الملک). ایشان در طی سی سال سیاق پژوهی در آشتیان و تهران مجموعه‌ای از دفاتر سیاقی را جمع‌آوری کردند و پیش از چاپ کتاب «سیاق» که ثمره سال‌ها علاقه‌مندی و مطالعه و پژوهش در این موضوع است، ۳۱ اثر به صورت مقاله و کتاب (در فاصله سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۳) منتشر کرده‌اند که اغلب در راستای مطالعات سیاقی ایشان بوده است. (برگرفته از «زندگی‌نامه علمی اسدالله عبدلی آشتیانی» در مقدمه کتاب ایشان به قلم جواد صفی نژاد، ص ۸۸-۹۶)

منابع اصلی مورد استفاده

آنچه مسلم است، قواعد و ماهیت خط سیاق تنها با پژوهش در رسالات قدیمی آموزش سیاق میسر می‌شود.

پایانی درباره علم سیاق است.

کتاب «کوششی در آموزش خط سیاق» نوشته جواد صفی نژاد بارها و بارها در مباحث کتاب آقای آشتیانی مورد استفاده قرار گرفته است، چنان که خود نیز به آن اذعان داشته‌اند (۹/۱)، ولی نویسنده سعی در تکمیل اطلاعات آن کتاب داشته است. متأسفانه ایشان کتاب «ده درس در شناخت سیاق: خواندن و نوشتن اعداد، کسرها، مدات؛ آشنایی با اسناد، دفاتر و اصطلاحات» نوشته عمادالدین شیخ الحکمایی را ندیده‌اند و علت آن می‌تواند این باشد که این کتاب بسیار نایاب است و در بین کتابخانه‌ها، فقط در کتابخانه تخصصی اسلام و ایران قم یافت می‌شود.

نویسنده در تدوین این کتاب از سه رساله آموزشی سیاق در دوره قاجار بهره فراوان برده است که اصلی‌ترین منابع وی برای تدوین و نگارش این کتاب بوده است. آنها عبارتند از: ۱. «مجمع الجواهر در علم سیاق و حساب» (چاپ سنگی)، تألیف حسن خان تفرشی (منطق الملک)، مدرسه شرف مظفریه، ۱۳۲۲ق، ۲۲۲ص. ۲. «قوانین السیاق» (نسخه خطی) نوشته محمدکاظم کاشانی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و در ۱۲۸۲ق تحریر یافته است. ۳. «بحر الجواهر فی علم الدفاتر» (چاپ سنگی) نوشته عبدالوهاب ابن محمد امین حسینی شهشهانی اصفهانی (سال ۱۲۸۷ق). ۴. نسخه خطی «خلاصه الحساب: در قواعد و روش آموختن علم سیاق» تألیف عبدالکریم فرزند میرزا حسن آشتیانی (کتابت: ۱۲۹۹). علاوه بر نسخه‌های یاد شده رساله‌های دیگری نیز مورد استفاده بوده، ولی عمده مطالب از رساله‌های مذکور گردآوری شده است.

گزارشی از محتوا و بخش‌های کتاب

این کتاب در دو جلد با دو مقدمه و ۳۹ بخش و ملحقات تدوین شده است. جلد اول مشتمل بر: «مقدمه مؤلف»: شامل بحث‌های آغازین، از جمله تعریف سیاق، تاریخچه خط سیاق، ویژگی‌های آن، امتیاز و مزایای خط سیاق و اهمیت آن و شیوه تدوین کتاب است. (۱/۱-۱۳). مقدمه جواد صفی نژاد به کارهای پیشین خود در آموزش سیاق و معرفی رسالات تازه یاب خود و زندگی علمی آقای آشتیانی می‌پردازد. (۱/۱۵-۹۲). از این به بعد بخش‌های کتاب آغاز می‌شود. این بخش‌ها عبارتند از: ۱. «آموزش ارقام سیاق نقدی»: در این بخش ارقام سیاق نقدی که عبارت از دینار و قران و تومان، از احاد تا الوف الوف و ترکیب آنها با هم ترسیم شده است و در قالب جدول به صورت جزئی و قابل فهم ارائه شده است. (۹۷/۱-۱۲۸)

از اولین پژوهشگرانی که پژوهش بر این رسالات را آغاز کرد، استاد جواد صفی نژاد است. آقای صفی نژاد از ۱۱ رساله آموزشی سیاق در دوره قاجار (به ویژه ناصرالدین شاه) که بیشتر کتب درسی مدارس است، در تألیف کتاب «کوششی در آموزش خط سیاق» خود بهره بردند. آنها به ترتیب ذکر شده در کتاب صفی نژاد عبارتند از: ۱. محاسب التجار (مؤلف نامعلوم، چاپ ۱۳۲۸ق). ۲. بحر الجواهر (حسین اصفهانی، چاپ ۱۲۹۶ق). ۳. خلاصه السیاق (سیدحسن تفرشی، تألیف و چاپ ۱۳۲۶ق). ۴. احسن المحاسبات (نام قسمت تعلیم سیاق کتاب احسن المراسلات، مؤلف نامشخص، چاپ ۱۳۲۸). ۵. سیاق مظفری (ابوالقاسم سحاب، چاپ ۱۳۴۲ق)؛ ۶. تعلیمات ابتدایی (علی اکبر طیب، تألیف و چاپ ۱۳۲۵ق). ۷. اقبال ناصری (افلاطون بن اسکندر، تألیف و چاپ ۱۳۲۴ق). ۸. سیاق خطیر (خطیر مصطفی، تألیف و چاپ ۱۳۴۶، چاپ هفتم ۱۳۰۶ش). ۹. مجمع المراسلات (مؤلف نامشخص، دارای دو بخش احسن المحاسبات و مجمع المحاسبات (در علم سیاق) است، چاپ ۱۳۴۷ق). ۱۰. احسن المراسلات و احسن الحساب شیخ علی فرهمند کتاب فروش (چاپ دوم: ۱۳۰۳ق، چاپ بیست و سوم: ۱۳۱۷ش). ۱۱. سیدالانشاء نوظهور نوشته میرزا مهدی خان نادری استرآبادی (چاپ ۱۳۳۴ش).

آقای صفی نژاد در ادامه تحقیقات خود، در مقدمه ۷۹ صفحه‌ای که بر کتاب آقای آشتیانی نوشته‌اند، به مقایسه چاپ‌های مختلف رسالات و مشخصات کتابشناسی و نسخه‌شناسی آن توجه داشته‌اند. ایشان نوشته‌اند که به جز ۱۱ رساله‌ای که در کتاب آموزش خط سیاق معرفی کرده‌اند، به رسالات دیگری برخورده‌اند که مجموعاً ۱۸ رساله مربوط به سیاق بود که منجر به نوشتن این مقدمه شد. البته بر بنده معلوم نگشت که ۷ رساله دیگر به طور دقیق کدام رسالات هستند؛ زیرا در این مقدمه تنها به دو رساله جدید و غیر از آن معرفی ۱۰ چاپ متعدد از «احسن المراسلات» که جزء همان ۱۱ رساله پیشین است می‌پردازند. رسالات تازه‌یابی که آقای صفی نژاد در مقدمه کتاب آقای آشتیانی به تحقیقات قبلی خود افزوده‌اند، عبارتند از: ۱. مجمع المراسلات معروف به اسهل المراسلات (چاپ سنگی)، تألیف میرزا حبیب الله اصفهانی، کتابت: محمدکاظم مشهور به جناب، مطبعه حاجی عبدالرحیم، چاپ پنجم: محرم ۱۳۳۴ق، ۲۱۸ص (دو جلد: جلد اول: مجمع المراسلات/اسهل المراسلات، جلد دوم: مجمع المحاسبات/اسهل المحاسبات). ۲. انشاء جدید مقدماتی، میرزا احمد مروج الشریعه، چاپ ۱۳۴۸ق (۱۳۰۸ش)، ۴۸صفحه که ۸ صفحه

این کتاب از اطلاعات کتاب آقای صفی نژاد استفاده فراوان کرده است، ولی اطلاعات مانند قواعد دفترنویسی و یا قواعد محاسباتی در این کتاب بیان شده و حسنی که این بخش ها نسبت به قسمت تدوین کتاب آقای صفی نژاد دارد، موضوع محور بودن آن است، نه رساله محور بودن. به عبارتی در کتاب کوششی در آموزش خط سیاق، در قسمت تألیف این مباحث بیان نشده، بلکه برخی از اطلاعات در قسمت تدوین در لابلای تصاویر رسالات آمده است، ولی آقای آشتیانی بر آن بوده تا مباحث یکسان در رسالات مختلف را در یک بخش جمع آوری کند و آموزش دهد؛ گرچه در این مسئله اشکالاتی به کار ایشان وارد است که در ادامه بدان پرداخته می شود.

۲. «آموزش ارقام سیاق جنسی»: این بخش پس از بررسی اوزان (البته این جدول کامل نیست و در بخش بعد به تکمیل آن می پردازد)، مانند بخش اول، ارقام سیاق جنس را ترسیم و چندشکلی بودن برخی از ارقام را متذکر شده است. آنچه که بحث های آقای صفی نژاد را در دو بخش اول تکمیل کرده، ادامه دادن سیاق نقدی و جنسی تا ارقام میلیونی و لک و کرو و فرمن و فلک و بحث هزارهای مطلق و ارائه مثال های پیچیده تر است. (۱/ ۱۲۹-۱۵۳) ۳. «اصطلاحات سیاق تجاری»: در این بخش اجزاء واحدهای وزن، اصطلاحات و مدات سیاق تجاری، علامت راده، اجزای یک قران در سیاق تجاری از ۵ پول تا ۴۰ پول (در جدولی اشکال سیاقی آن نوشته شده، ولی این اشکال تفاوتی با ارقام دینار ندارد، فقط باید شیوه تبدیل آنها را که در همان قسمت آموزش داده شده آموخت)، تعریف پول، اشکال دیگر قران در سیاق تجاری، خط کمانی در سیاق تجاری، خط بطلان در اسناد تجاری، عبارت «بمیزان نمی رود» اهل دفتر، قواعد مراسلات تجاری (شامل: قاعده نوشتن، نمونه هایی از متن مراسله تجاری، جواب مراسله، مراسله تجاری همراه با بارنامه، صورت بارنامه، تعریف برات تجاری و نمونه هایی از آن، برات حواله) آورده شده است. (۱/ ۱۵۵-۱۷۰) ۴. «جمع اعداد در سیاق» (۱/ ۱۷۱-۱۸۳) ۵. «تفریق اعداد در سیاق»: اصطلاحات مربوط به تفریق (مانند: موضوع و وضع و مفروق و مفروق منه و باقی و فاضل و زیاده)، طریقه و علامت ها و اشکال تفریق و تفاوت آنها، شکل نوشتن چند تفریق پشت سرهم و استفاده از «بعده» در این بخش توضیح داده شده است. (۱/ ۱۸۵-۱۹۹) ۶. «ضرب اعداد در سیاق»: طریقه ضرب آحاد در آحاد، آحاد در مرکب و مرکب در مرکب که اصطلاحاً به آن تضعیف گفته می شود و براساس عملیات جمع است توضیح داده می شود. مبحث تسعیر و قیمت گذاری جنس، «تضعیف ارقام هندسی»، روش «ضرب شبکه و اصفار» نیز در این بخش بیان شده است. (۱/ ۲۰۱-۲۳۴) ۷. «تقسیم اعداد در سیاق»: در این بخش ابتدا کسرهای تسعه یا تقسیمات نه گانه (نصف تا عشر) را در ۱۲ قاعده توضیح داده است که قاعده دوازدهم به کاربرد عمل تقسیم در «مبلغ و حقوق آنها در سهم» تعلق دارد. مبحث دیگر «تقسیم و برآورد نقد و جنس و هندسه» است. (۱/ ۲۳۵-۲۷۷) ۸. «کسر در اعداد سیاق»: در این مبحث ابتدا بحث اعداد کسری و اعشاری را از مبحث اعداد هندسی رسالات پیش گفته استخراج می کند، سپس به مبحث «روش محاسبه تقسیم در جدول هندسه و متن سیاق» می پردازد. در اینجا سعی شده است با «تطبیق حساب سیاق با حساب هندسه» این مبحث را ساده تر کند. بحث کسرهای دینار (شامل: دینار، طسوج، جو، خردل، فلس، فتیله، نقیر، قطمیر، ذره، هبا، وهمه / وهیمه) و «کسر نقد و اجزای دانگ در محاسبه» کتاب آقای صفی نژاد را با شکل سیاق اجزای دانگ تکمیل کرده اند. کسراوزان جنس (شامل: حبه، قیراط، نخود، طسوج، مثقال، سیر، شعیر، و کسرهای من تبریز شامل چارک و نار) و واحد طول و عرض (شامل: ذرع، گره، بحر، اصبع، شعیر، نخ یا موهوم) و شکل سیاقی هر یک ارائه شده است. سپس به آموزش جمع و تفریق و ضرب در اعداد کسری می پردازد. (۱/ ۲۷۹-۳۴۵) ۹. «تعاریف و اصطلاحات سیاق»: شامل چند بخش کلی است. الف) اصطلاحات سیاق از الف تا یاء برگرفته از کتاب بحر الجواهر عبدالوهاب شهشانی و نسخه خطی کتابخانه مجلس ش: ۱۱۴۹ ب) بعضی اصطلاحات دفاتر سیاق ج) چند اصطلاح دیوانی سیاق قبل از قاجار (منال و خط ترسیف و ترقین و تفاوت آن با دوره قاجار با رسم شکل) (۱/ ۳۴۷-۳۶۸) ۱۰. «مد در حروف و کلمات سیاق»: در قاعده مهم به کاربرد مد در خط سیاق نگاشته شده است. فهمیدن این قاعده در رمزگشایی عبارات نوشته شده به خط سیاق بسیار راهگشاست. (۱/ ۳۶۹-۳۸۰) ۱۱. «اشکال مد در سیاق»: اشکال سیاقی شهرها، ایلات و طوایف، سربرات های دفاتر و اسناد، سیاق اسناد شرعی، اشکال سیاق قشون، اشکال سیاق برات های دیوانی و اشکال سیاق دیگر در این بخش آمده است. (۱/ ۳۸۱-۴۱۹) ۱۲. «مد در سیاق»: به تعریف و توضیح قرینه، فرد، بدن، حشو، موضوعی، گوشواره، بارز، جایزه، ضلع، اشکال «مقرا» در سیاق و «جایی که قرینه ندارد» می پردازد و سپس به موارد کاربرد آنها در قالب «تبصره» می پردازد. (۱/ ۴۲۱-۴۴۷) ۱۳. «نفر در سیاق»: به توضیح نفر و شکل

سیاقی آن و تهیه جدولی از یک نفر تا نه هزار نفر و ترکیب آحاد و عشرات و مآت و الوف پرداخته است. (۱/ ۴۴۹-۴۶۵) ۱۴. «کتابت حشو در اسناد»: موارد هشت‌گانه کاربرد «کتابت حشو» در اسناد بیان شده است. (۱/ ۴۶۷-۴۷۷) ۱۵. «اعمال تحت باقی»: در این بخش «اعمال تحت باقی» به ۹ قسم تقسیم و بیان شده است. سپس به کاربرد مقرر و المقرر در مکتوب حشوی، گوشواری، تحت میزان و بروات و قبوض می پردازد. (۱/ ۴۷۹-۵۰۳) ۱۶. «مفرد و من ذلک»: به کاربرد مفرد و من ذلک در کتابچه ها و اسناد جمع و خرج ولایات و قواعد استفاده و مدات تحت آنها می پردازد. (۱/ ۵۰۵-۵۲۷)

جلد دوم شامل: ۱۷. «الباقی»: به مدهای «الاضافه»، «جملتان»، «یکون»، «یزاد»، «یضعف»، «یحسب»، «فذلک»، «الحق بذلک»، «خرج»، «اضافه و اضافه الاضافه» و... که بعد از «مد الباقی» می آید پرداخته و کاربرد هر یک را توضیح داده است. (۲/ ۵۲۹-۵۵۳) ۱۸. «قواعد بعد از الفاضل»: قواعد به کاربردن مد «عوضه»، «تتمه»، «بقیه»، «یزاد علی الفاضل»، «یکون» که بعد از الفاضل می آید و کاربرد آنها شرح داده می شود. (۲/ ۵۵۴-۵۵۹) ۱۹. «دفاتر سیاق و معرفی برات‌های دیوانی»: در باب ۵ دفتر سیاقی است که عبارتند از: ۱. دفتر روزنامه ۲. دفتر اوارجه ۳. دفتر توجیهات ۴. دفتر مقررات ۵. دفتر مفرد. قواعد نگارش این دفاتر و تفاوت‌های آنها در نگارش و اصطلاحات به کاررفته در آنها، انواع مد در این دفاتر، اتصالات در اوارجه نویسی، برات‌های دیوانی در دفاتر سیاق و ترتیب نگارش دفاتر دیوانی از موضوعات این بخش است. (۲/ ۵۶۱-۶۰۴) ۲۰. «اوارجه در فرد نویسی»: شعبه‌های اوارجه و توابع آن، صیغه‌های اطلاقی، آداب حساب نویسی شامل کاربرد دفعه‌ها و بابت‌ها و بعده و منها و ترتیب مدها در دفاتر سیاق را شرح می دهد. (۲/ ۶۰۵-۶۲۵) ۲۱. «اتصالات سررشته در دفاتر دیوانی»: به اتصالات سررشته یا همان مدات و صیغه‌های سروراق و فردها می پردازد. (۲/ ۶۲۷-۶۵۹) ۲۲. «نوشتن بروات و قبوضات»: به توضیح شیوه نگارش برات‌ها و قبض‌ها می پردازد که در ضمن آن به توضیح «نصف»، «بالمضاعف»، «بشرح سرورق»، «بشرح فرد ما صبق»، «بمافیة الزیاده»، «بیاض»، «سوی المطلق»، «عوض الحشو»، «ردت عن الحشو»، «فی»، «موضوع عن الحشو»، «نسخه کشیدن»، «گوشه کردن»، «مفاصا» و «حواشی / سجلات» می پردازد. (۲/ ۶۶۱-۷۰۴) ۲۳. «مقرراً و حسب العمل (تسعیر و اضافه در نقد و جنس)»: در این بخش به نحوه استفاده از مقرراً و حسب العمل در عمل تسعیر می پردازد. (۲/ ۷۰۵-۷۰۷) ۲۴. «ثبت بروات و فرامین و احکام» (۲/ ۷۰۹-۷۱۸) ۲۵. «عنوانات و نوشته‌جات اشخاص و افراد»: نحوه خطاب قراردادن طبقات و اقتضای جامعه بیان شده است. (۲/ ۷۲۱-۷۲۷) ۲۶. «قاعده نوشتن اجناس در اسناد دیوانی»: در ابتدا فهرستی از واحدهای شمارش اجناس ارائه شده، سپس ده قسم جنس (اماکن و اراضی نیز جزو این اقسام نام برده شده) که معمول بوده بیان شده است. سپس «اسامی اصناف و حرف که به دیوان مالیات می دهند»، اجاره و وجوهات می پردازند و «معاف از مالیات می باشند» بیان شده است. (۲/ ۷۲۹-۷۴۸) ۲۷. «وضع و اضافه در آخر مد و گوشوار» (۲/ ۷۴۹-۷۵۰) ۲۸. «اتصالات علوم جدید» (۲/ ۷۵۱-۷۵۲) ۲۹. «مقیاس‌ها و کما بخش»: این بخش ۴ باب دارد که شامل «مقیاس‌های نقدی»، «مقادیر»، «فاصله‌ها ذرع کما بخش»، «اندازه‌های کما بخش» و سپس در تیتیری جداگانه «ذرع و کسورات آن» آمده است که در آن واحدهای جریب، قفیز، دهو، نی به ذرع تبدیل شده و اجزای ذرع شاهی نیز بیان شده است. (۲/ ۷۵۳-۷۷۱) ۳۰. «نوشتن اسناد شرعی»: در بخش نمونه‌هایی از متن اسناد (مصالحه‌نامه، شرط‌نامه، اجاره‌نامه، بیع‌نامه، عقدنامه، طلاق‌نامه، صیغه‌نامه، استشهادنامه، استفتا، هبه‌نامه، قسم‌نامه، باطل‌نامه، بطالت‌نامه، شراکت‌نامه، صورت‌تمسک، قبض‌رسید، قبض‌حواله یا برات) ارائه شده است. (۲/ ۷۷۳-۷۸۹) ۳۱. «گاهشماری در اسناد سیاق»: (۲/ ۷۹۱-۸۱۱) ۳۲. «سیاق هندی، نقد، جنس و اوزان آن»: تفاوت‌ها و شباهت‌های سیاق هندی با سیاق ایرانی بیان شده است. تفاوت سیاق هندی، نه در شکل اعداد سیاقی

ارجاع‌ها روی هر تیتیر خورده است و این عمل بدین معنی است که توضیحات این بخش عیناً از رسالات و منابع دیگر آورده شده است، در صورتی که معمولاً حذف هم در متن رسالات صورت گرفته و گاه آقای آشتیانی توضیحاتی را خود اضافه کرده است. پس بهتر آن بود که عبارت‌های رسالات در گیومه آورده می شد و مصحح توضیحات خود را بدان می افزود.

لابدای تصاویر رسالات آمده است، ولی آقای آشتیانی بر آن بوده تا مباحث یکسان در رسالات مختلف را در یک بخش جمع‌آوری کند و آموزش دهد؛ گرچه در این مسئله اشکالاتی به کار ایشان وارد است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

ارائه جدول‌ها

ارائه جدول‌های متعدد این کتاب در انتقال سریع‌تر مطالب و مفاهیم و دسته‌بندی موضوعی مطالب بسیار مفید و کاربردی است.

ارائه مثال‌های پیچیده‌تر و تخصصی‌تر

از برتری‌های این کتاب در آموزش سیاق، ادامه سیاق نقدی و جنسی تا ارقام میلیونی و لک و کرو و فرمن و فلک و مثال‌هایی با ارقام ترکیبی پیچیده‌تر است. نویسنده در ترسیم ارقام، نمونه آن را از اسناد آورده یا خود آنها را ترسیم کرده است.

تصاویر و عکس‌ها

معمولاً در توضیح هر مطلب مثال‌هایی را به صورت عکس از رسالات و کتابچه‌ها آورده و نیز به بخشی جدا (بخش سی و سوم در جلد دوم) که تنها به اسناد و دفاتر سیاقی و بازخوانی آنها اختصاص دارد ارجاع داده شده است.

بازخوانی اسناد و تبدیل مثال‌ها به اعداد ریاضی

این بخش از کار نویسنده نشان‌دهنده مهارت و تجربه ایشان در بازخوانی اسناد و مکتوبات سیاقی است. هر مثالی که در قالب تصاویر آمده، بازخوانی آن نیز به خواننده ارائه شده است. چه بسا اگر این کار صورت نمی‌گرفت، درک متن و مثال‌ها برای خواننده امکان‌پذیر نبود. همچنین تبدیل مثال‌هایی سیاقی به اعداد ریاضی و بازنویسی آنها و گهگاه اضافه کردن توضیحات نویسنده به متن رسالات، به خصوص در بخش ۴ تا ۸، یعنی مباحث مربوط به جمع و تفریق و ضرب، درک متن را ساده‌تر کرده است. گرچه متأسفانه جای توضیحات خود نویسنده در بیشتر بخش‌ها خالی است و در همان بخش‌ها هم مثلاً در جمع ارقام پیچیده ترکیبی تومان و دینار با یکدیگر، دیگر توضیحی نگاشته نشده و تنها تصویر آن را می‌بینیم. (۱۷۷/۱-۱۷۸)

واژه‌نامه اصطلاحات سیاق

نویسنده واژگان تخصصی و فنی سیاقی رسالات را به ندرت در حین مطالب توضیح داده است، اما از کارهای ارزشمندی که در این کتاب صورت گرفته است، تهیه «واژه‌نامه اصطلاحات سیاق

است، بلکه در واحد پول و اوزان آنهاست. (۸۱۳-۸۲۱) ۳۳. «بازخوانی اسناد تجاری و دیوانی سیاق و نمونه اسناد» ۶۹: نمونه سند سیاقی ارائه و بازخوانی شده است. (۸۲۳-۹۳۶) ۳۴. «واژه‌نامه اصطلاحات سیاق و اسناد»: یکی از بهترین بخش‌های این کتاب است که اصطلاحات سیاقی در رسالات مذکور استخراج و به ترتیب حروف الفبا فهرست شده است. (۹۳۷-۱۰۱۱) ۳۵. «واژه‌نامه اسناد شرعی، تجاری، دیوانی، فرامین و احکام» (۲/ ۱۰۱۳-۱۰۲۲) ۳۶. «واژه‌نامه اداری (دیوانی) و القاب دوره قاجار»: به گفته نویسنده این بخش شامل اصطلاحات و القاب دیوانی دوره قاجار به ویژه دوره ناصری است که در کار با اسناد بیوتات، فرمان‌ها و مکاتبات دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۱۰۲۳-۱۰۵۲) ۳۷. «جدول مقیاس‌ها و واحد سنجش و سکه»: واحدهای اندازه‌گیری وزن و تبدیل آنها به مثقال و گرم، واحدهای اندازه‌گیری طول و تبدیل آنها به سانتی‌متر و کیلومتر و مسکوکات ایران در ادوار مختلف ایران از صفویه تا قاجاریه و ارزش آنها را به دینار بیان می‌کند. (۱۰۵۳-۱۰۶۲) ۳۸. «اصناف و مشاغل عصر قاجار و برات‌ها و اصطلاحات سیاق مدداری» (۱۰۶۳-۱۰۶۶) ۳۹. «تصویر چند نسخه خطی کهن ایران در موضوع سیاق» (۱۰۶۷-۱۰۸۵) «پیوست‌ها»: در قسمت پیوست عکس جواد صفی‌نژاد و سیاق‌نویسانی در بازار آشتیانی به همراه دستخط آنها آمده است. (۱۰۸۷-۱۱۰۹) «ملحقات»: پس از منابع و مآخذ بخش دیگری نیز به عنوان ملحقات آمده است که نوشته دکتر فرهنگ جهانبخش با عنوان «تاریخ شناختی حسابداری سیاق در ایران باستان» است. در این مقاله به طور مفصل درباره قدمت حسابداری سیاق بحث می‌شود و از دوروش مقایسه شکل شناختی سیاق با خطوط باستانی و عملکرد دوروشی. شناختی. محاسباتی سیاق به روش استقرار در تاریخ توسعه ریاضیات بشر استفاده شده است. (۱۱۲۵-۱۲۲۵)

نقاط قوت کتاب

طرح مباحث تخصصی و پیشرفته در سیاق

پیش‌تر گفته شد که این کتاب از اطلاعات کتاب آقای صفی‌نژاد استفاده فراوان کرده است، ولی اطلاعات مانند قواعد دفتری نویسی و قواعد محاسباتی در این کتاب بیان شده و حسنی که این بخش‌ها نسبت به قسمت تدوین کتاب آقای صفی‌نژاد دارد، موضوع محور بودن آن است، نه رساله محور بودن. به عبارتی در کتاب کوششی در آموزش خط سیاق، در قسمت تألیف این مباحث بیان نشده، بلکه برخی از اطلاعات در قسمت تدوین در

و اسناد» است که در یک بخش مجزا در پایان کتاب تدوین شده است. می توان برای یافتن اصطلاحات سیاق و اسناد به بخش سی و چهارم کتاب رجوع کرد.

نقد ظاهری

تکرار جدول های مشابه

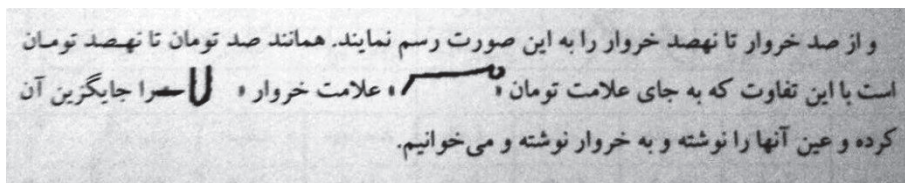
در بخش یکم، دوم و ... که ارقام سیاق نقد و جنس را توضیح می دهد، تقریباً هر جدول دو بار تکرار شده است و این مسئله باعث تطویل و اطباب بی مورد و هدر رفتن کاغذ شده است. (۱/ ۹۷ - ۱۵۳)

ارائه بی قاعده و بی نظم اطلاعات در قالب جدول ها

در جدول های بخش یازدهم، «اشکال مدّ در سیاق»، اشکال سیاقی از نمونه های یافت شده در اسناد و رسالات توسط نویسنده تهیه شده که برخی از آنها توسط ایشان رونویسی شده و برخی از نمونه های ذکر شده در رسالات کپی شده است، ولی متأسفانه در این جدول ها ترتیب الفبایی رعایت نشده و پیدا کردن کلمه مورد نظر را بسیار مشکل کرده است. حتی تقسیم بندی موضوعی هم به درستی انجام نشده و تکرار هم در آن جدول ها رخ داده است؛ مثلاً هم جدول سربریات های دفاتر و اسناد و هم جدول اشکال برات های دیوانی رسم شده است یا دو جدول اسامی شهرها دیده می شود. گرچه علت این تکرار این است که این جدول ها از رسالات مختلف استخراج شده حتماً حفظ دو صورت از ترسیم یک کلمه به خط سیاق ارزشمند است، ولی حداقل باید این اسامی تکراری در کنار هم قرار می گرفت که مقایسه آنها هم راحت تر می شد. (۱/ ۳۸۱ - ۴۱۹)

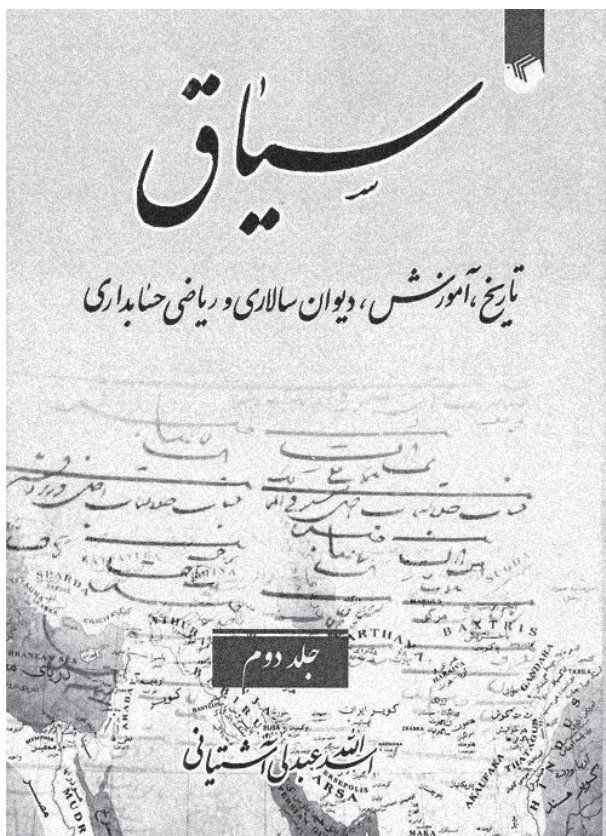
مشکلات چاپی و نگارشی

البته مشکلات چاپی و نگارشی در هر کتابی رخ می دهد، به خصوص در چاپ های اول یک کتاب. چند نمونه از این موارد در اینجا آورده می شود. اول آنکه در صفحات کتاب شاهد فضای خالی و سفید زیادی هستیم که باعث هدر رفتن کاغذ شده است. با یک صفحه آرایبی بهتر از این اسراف جلوگیری می شود. مورد دیگر استفاده کم از علائم نگارشی است، همچون نقطه و ویرگول، چنان که گاهی جمله ها بدون هیچ توفقی و بی وقفه به دنبال هم می آیند. این مسئله در قسمت های مختلف کتاب قوت و ضعف دارد. دیگر استفاده از جمع های متروک و نامتداول مثل احکامات (۲/ ۷۱۱)، عنوانات (۲/ ۷۲۱)، کسور (۱/ ۲۳۷) و ... است. مواردی هم به چشم می خورد که غلط تایپی به نظر می رسد. از جمله: در بخش دوم، در ص ۱۳۷ علامت تومان با خروار جابجا شده است. به تصویر بنگرید:



گاهی جای عکس ها مناسب انتخاب نشده است، مثلاً در بخش چهارم یک عکس قبل از تیتیر مربوط به آن آمده است (۱/ ۱۷۲ - ۱۷۳) یا در بخش سی و دوم (۲/ ۸۲۴) و بخش بیست و ششم که به علت آمدن عکسی که جای مناسب انتخاب نشده، فاصله یک صفحه ای میان مطلب افتاده است. (۲/ ۷۳۹ - ۷۴۱) گاهی تصویر با توضیحات همخوانی کامل ندارد. مثلاً تصویر ص ۱۷۵ که توضیح آن در ص ۱۷۶ آمده است یا در ص ۱۷۸ تصویر جمع ارقام نقد، در قسمت جمع ارقام جنس آمده است و نیز به اشتباه یک قران به جای ۱۰۰۰، «۰۰۰» نوشته شده است (این اشتباه بارها در جاهای دیگر کتاب اتفاق افتاده است). در بخش هفتم نیز گاهی اشتباهاتی دیده می شود؛ از جمله «کسور تسعیر» در تیتیر ص ۲۳۷، احتمالاً «کسور تسعه» بوده و دیگر در ص ۲۴۹ عبارت «در تسع باید اعداد را ثلث نموده بعد آن ثلث را نصف ثلث نمود»، «نصف ثلث»

عمده مطالب این کتاب دو جلدی از رسالات «مجمع الجواهر در علم سیاق و حساب»، «قوانین السیاق»، «بحر الجواهر فی علم الدفاتر» و «خلاصة الحساب: در قواعد و روش آموختن علم سیاق»، گردآوری شده است. اگرچه تصحیح این رسالات که نمونه های عالی در آموزش سیاق هستند، به خودی خود حائز اهمیت بسیاری هستند، ولی از کتابی که نام تصحیح بر خود ندارد، انتظاری بیش از این می رود، چنان که صفی نژاد کتاب خود را در دو قسمت «تالیف» و «تدوین» تنظیم کرد



سوم (۱۶۱/۱-۱۶۳)، در بخش هشتم (۳۱۶/۱-۳۲۰)، در بخش بیست و نهم (۷۵۳-۷۵۴/۲) و نیز در بخش سی و هفتم (۱۰۵۶-۱۰۶۱) مطرح شده است. ج) واحد طول و عرض در بخش هشتم (۳۴۰/۱)، در بخش بیست و نهم (۷۶۱-۷۶۳/۲، ۷۶۵-۷۷۱) و همچنین در بخش سی و هفتم (۱۰۵۵-۱۰۵۶، ۱۰۶۱-۱۰۶۲) آمده است. د) یکبار در بخش بیست و ششم درباره اصناف و تعریف آنها صحبت شد (۷۳۸-۷۴۶/۲) و دوباره در بخش سی و هشتم، «اصناف و مشاغل عصر قاجار و برات‌ها و اصطلاحات سیاق مددار» (۱۰۶۳-۱۰۶۵/۲) ه) اصطلاحات سیاقی در بخش سوم (۱۵۸/۱-۱۶۴)، بخش نهم (۳۴۷-۳۶۸/۱) و نیز در بخش نوزدهم ذیل عنوان فرعی اصطلاحات دفاتر سیاق (۵۹۲-۵۹۰/۲) مطرح شده است. و) برات‌ها در بخش یازدهم (۳۹۰-۳۹۲/۱، ۴۱۵)، در بخش نوزدهم (ص ۵۸۹) و در بخش سی و هشتم (۱۰۶۵-۱۰۶۶) آمده است. ز) توضیح حشودر حین بخش دوازدهم و یک بار در بخشی جدا، یعنی بخش چهاردهم، «کتابت حشودر اسناد» آمده است. ح) توضیح «الباقی» در دو بخش جدا، یعنی بخش پانزدهم «اعمال تحت باقی» و بخش هفدهم «الباقی» مطرح شده است. این مباحث در پیوند با هم هستند و ضرورتی در آمدن دو بخش جدا آن هم با فاصله از هم نبود. ت) دیگر توضیح مفرده و من ذلک یک بار در بخش شانزدهم، «مفرده و من ذلک» و یک بار در بخش

غلط می‌نماید و به جای آن باید «ثلث را هم ثلث نمود» باشد. در بخش بیست و دوم تکرار تیترا «شرح سرورق» (۶۶۵/۲، ۶۶۷) و آمدن تعریف بیاض زیر عنوان «بما فیہ الزیاده» (۶۶۸/۲) از جمله این موارد است. در بخش بیست و پنجم، «عنوانات و نوشته جات اشخاص و افراد»، اول اینکه باید عنوان این بخش اصلاح شود. احتمالاً منظور نویسنده «عنوانات در نوشته جات اشخاص و افراد» است. دیگر آنکه آوردن مترادف در عنوان بخش لزومی ندارد، بلکه ایجاز و اختصار ارجح است. (۷۲۱/۲)

آوردن تیتراهای طولانی از ویژگی‌های این کتاب است. در نام کتاب هم شاهد این موضوع هستیم. در بخش بیست و ششم، «قاعده نوشتن اجناس در اسناد دیوانی»، توضیحاتی که ارتباطی به مبحث طرح شده ندارد عنوان شده است. مثلاً زین اسب و اشربه ارتباطی به مساحت اراضی ندارد یا جاافتادگی و ناقص ماندن متن در ذیل عنوان «قاعد کلی در این فن آن است» (۷۳۸/۲) در بخش بیست و نه، «مقیاسها و کما بخش» به نظر می‌رسد که نیازی به آوردن کما بخش در عنوان باب‌ها نیست و احتمالاً اشتباهی در هنگام تنظیم مطالب رخ داده است؛ زیرا کما بخش مقیاسی ندارد، بلکه در مواقع هم جنس نبودن اجزاء و قابل جمع نبودنشان با هم استفاده می‌شود. پس کما بخش تنها باید به عنوان یک توضیح فرعی در این بخش یا حتی در بحث جمع مطرح می‌شد. در صورتی که در وسط باب‌ها دو تیترا جداگانه «کما بخش» آمده است (۷۵۵/۲، ۷۵۸) یا اگر برداشت این خواننده اشتباه بوده، علت آن است که توضیح روشن و مشخصی برای این تقسیم‌بندی ارائه نشده و تیتراهای روشن و گویایی برای این بخش انتخاب نشده است. در بخش سی و نهم، سرصفحه بخش قبل برای این بخش هم به اشتباه منظور شده است. (۱۰۶۷/۲-۱۰۸۵)

تکرار و بی‌نظمی در ارائه مطالب مرتبط و عدم توانایی در ایجاد پیوستگی در میان آنها

بسیاری از مطالب کتاب به علت همین مشکل تکرار شده یا مطالب مرتبط در بخش‌های جدا و دور از هم آورده شده است. بسیاری از تیتراها تکراری است و این تکرار به علت چسباندن موضوعات یکسان از رسالات مختلف در کنار یکدیگر است. در اینجا به مواردی از تکرار مطالب و پراکندگی مطالب در کتاب اشاره می‌شود: الف) اجزاء و واحدهای وزنی در بخش دوم (۱۲۹-۱۳۰)، در بخش سوم (۱۵۵/۱-۱۵۷)، در بخش هشتم (۳۲۰-۳۲۹)، در بخش بیست و نهم (۷۵۴-۷۵۵) و هم در بخش سی و هفتم (۱۰۵۳-۱۰۵۴) آمده است. ب) واحدها و اجزای پول در بخش

۴۰ ارجاع داده می‌شد (۱/ ۱۷۸) یا خیلی کلی ارجاع داده شده و خیلی بیشتر از آنچه در کتاب ذکر شده را در آن رساله در بر می‌گیرد. در بخش سی و سوم، «بازخوانی اسناد تجاری و دیوانی سیاق و نمونه اسناد»، برخی از اسناد در حین بخش‌ها بازخوانی شده، ولی متأسفانه به بخش و صفحه مربوط به بازخوانی آن اسناد ارجاع داده نشده است. (۲/ ۸۲۳-۹۳۶) در ارجاع به نسخ خطی نیز بهتر آن است که به شماره نسخه یا شماره بازایی ارجاع داده شود، نه به شماره رکورد کتابخانه محل نگهداری نسخه.

نمایه‌ها

در نمایه‌های اشخاص در برخی موارد قاعده‌درستی به کار برده نشده است. مثلاً مرتب‌کردن اسامی بر اساس عنوان‌های احترامی حضرت، حاج، آقا، شیخ، کربلایی، ملا و ... روش درستی نیست یا برای یک نام از دو شکل استفاده شده؛ مثل حضرت محمد (ص) و پیامبر (ص) یا یک شکل تکراری دوبار ذکر شده است، مثل ناصرالدین شاه. در نمایه اشخاص مواردی آمده است که مربوط به نمایه اشخاص نیست؛ مثل فوج توپسراکانی و سایر فوج‌ها، توپ شیلندر یا توپچیان همدانی، آل کرت، بازار آشتیان، مکاریان و ...

در همه نمایه‌ها واژه‌ای با عنوان «ایرانی د.» و «حسین د.» آمده است که بر بنده معلوم نشد چیست. دیگر اینکه «نمایه گوناگون» باید ذیل همان «نمایه جای‌ها» آورده می‌شد. نمایه دیگر نمایه مشاغل است که مشتمل است بر اماکنی با پسوند خانه که شغل محسوب نمی‌شوند؛ مثلاً ایشیک‌خانه و مطبخ خانه. این در صورتی است که نمایه‌ای هم به نام «نمایه پیشه‌ها» تهیه شده است!

نقد محتوایی

مقدمه ضعیف

انتظار می‌رفت که کتابی با این حجم از اطلاعات، مقدمه‌ای غنی‌تر داشته باشد تا معرف اطلاعات ارائه شده در آن کتاب و تسلط نویسنده بر مباحث باشد. مواردی در مقدمه مطرح شده که بهتر است در آن اصلاحاتی صورت گیرد: در تعریف سیاق (به پیروی از کتاب کوششی در آموزش خط سیاق) چنین آمده است که «شیوه‌ای است از عدد نویسی رمزگونه برای ثبت و آگاهی از ارقام نقدی و جنسی ...» (۲/۱). اما نویسنده در حین مباحث خود گاه سیاق را یک «خط»، گاه «ارقام» نقدی و جنسی رمزگونه و گاه یک «شیوه محاسباتی» در نظر گرفته‌اند که در تعریف ارائه شده از آن سخنی گفته نشده است و آنقدر این پیش فرض‌ها تغییر می‌کند

نوزدهم، «دفتر سیاق و معرفی برات‌های دیوانی»، (۲/ ۵۶۱-۶۰۴). (ی) بخش بیستم، «اورجه در فرد نویسی»، باید در ادامه توضیح اورجه در بخش نوزدهم می‌آمد. (ک) بخش بیست و سوم، «مقررا و حسب العمل» که در ادامه توضیحات قبلی است، باید به عنوان یک مطلب توضیحی در ادامه همان مطلب می‌آمد. بنابراین بهتر آن بود که بسیاری از بخش‌هایی که بی دلیل به شکل بخش جدا گانه درآمده است، تحت عنوان یک بخش کلی آموزش داده و از پراکندگی مطالب اجتناب می‌شد.

نداشتن یک طرح ذهنی و ساختار مناسب برای ارائه مطالب در قالب بخش‌ها

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، بسیاری از بخش‌های کتاب در بخش‌های دیگر هم مطرح شده و تکرار مکررات در بسیاری موارد دیده می‌شود. به واقع طرح این همه بخش بر چه اساسی است؟ حتی چند بخش داریم که بیش از دو سه صفحه هم نمی‌شود! مثلاً بخش بیست و سوم تنها سه صفحه است. (۲/ ۷۰۵-۷۰۷) بخش بیست و هفتم، «وضع و اضافه در آخر مد و گوشوار» تنها دو صفحه و فقط دو خط توضیح دارد! و بقیه عکس و بازخوانی آن عکس است. (۲/ ۷۴۹-۷۵۰) بخش بیست و هشتم، اتصالات علوم جدید بدون هیچ توضیحی! و تنها یک عکس و بازخوانی آن آمده است. (ص ۷۵۱-۷۵۲)؛ بخش سی و هشتم، «اصناف و مشاغل عصر قاجار و برات‌ها و اصطلاحات سیاق مددار» که تکرار مطالب پیش‌تر گفته نیز هست، تنها شامل سه صفحه است. (۲/ ۱۰۶۳-۱۰۶۶) بخش سی و نهم، «تصویر چند نسخه خطی کهن ایران در موضوع سیاق» نیز باید در پیوست آورده می‌شد، نه یک بخش جدا. (۲/ ۱۰۶۷-۱۰۸۵)

ارجاع

ارجاع‌ها روی هر تیتیر خورده است و این عمل بدین معنی است که توضیحات این بخش عیناً از رسالات و منابع دیگر آورده شده است، در صورتی که معمولاً حذف هم در متن رسالات صورت گرفته و گاه آقای آشتیانی توضیحاتی را خود اضافه کرده است. پس بهتر آن بود که عبارت‌های رسالات در گیومه آورده می‌شد و مصحح توضیحات خود را بدان می‌افزود. البته در برخی موارد آقای آشتیانی توضیحات خود را داخل کروشه [] آورده است، ولی در بیشتر مواقع اگر حذفی یا اضافه‌ای صورت گرفته بدون مشخص شدن آورده شده است. دیگر آنکه گاهی ارجاع به صفحه‌های اشتباهی از رسالات داده شده است. مثلاً در بخش چهارم نمونه‌هایی از جمع جنس از کتاب مجمع الجواهر آمده که به جای ص ۲۲ باید به ص

را در دو قسمت «تألیف» و «تدوین» تنظیم کرد و در قسمت تألیف به زبان ساده و روان و بسیار منسجم به آموزش سیاق پرداخت و در قسمت تدوین مطالب مهم دیگر رسالات را آورد. البته شیوه این کتاب این طور نیست که هر رساله را جداگانه تصحیح کرده باشد، بلکه کتاب را موضوع بندی کرده (بر اساس مطالب رسالات) و مطالب مرتبط با هم در کنار یکدیگر آورده شده است. متأسفانه باید گفت که در این کار نیز چندان موفق نبوده است. رساله مجمع الجواهر منبع اول ایشان بوده و سپس مطالب آن با رسالات دیگر تکمیل شده است. با مقایسه متن مجمع الجواهر با متن کتاب (در جاهایی که به این رساله ارجاع داده شده است) تقریباً می توان گفت که مطابقت کامل دارد، ولی معدود جاهایی توضیحاتی دارد که بنده در متن رساله نیافتم، آیا به نسخه دیگر از این رساله دسترسی داشته اند، ولی به آن اشاره نکرده اند؟ یا توضیحات بیشتر خود نویسنده است که اغلب داخل کروشده مشخص نکرده اند؟ متأسفانه این مرزها در کتاب مشخص نشده است و در مقدمه مؤلف نیز توضیحی در این باره نمی یابیم.

اشاره نکردن به تفاوت ها و بررسی آنها

در بخش اول و دوم و... در آموزش سیاق نقدی و جنسی، بر اساس جدولی که آقای صفی نژاد در کتاب خود ارائه کرده بود، جدولی به همان شکل تهیه شده که تفاوت هایی در رسم برخی از اعداد دیده می شود، ولی آقای آشتیانی اشاره ای به این تفاوت ها و موضوع خود نسبت به آنها نکرده است. برای مثال در بخش اول در قران ها و عدد ۹ در آحاد و عشرات و الوف و عدد ۷ در عشرات دینار و تومان و عشرات الوف تومان یا در توضیح تفاوت هزارهای مطلق با قران کوتاهی شده است و از جمله آقای صفی نژاد دو شکل برای ترسیم ۸۰ تومان بیان کرده اند، ولی آقای آشتیانی اشاره ای بدان نکرده اند. (۹۷/۱ - ۱۲۸) در بخش دوم هم آقای صفی نژاد برای «دو خورار» دو شکل را بیان کرده اند (صفی نژاد، کوششی در آموزش خط سیاق، ص ۱۰۴)، ولی آقای آشتیانی بدان اشاره نکرده اند یا بدان قائل نبوده اند. (۱۲۹/۱ - ۱۵۳)

غفلت از سیاق دوره صفوی و پیش از آن

نویسنده که سیاق را به دو بخش سیاق اداری یا دیوانی و سیاق تجاری تقسیم کرده است، خود اذعان می کند که بیشتر به سیاق دیوانی دوره قاجار پرداخته است. البته به متون سیاقی عهد صفویه تا اوایل قاجار نیز اشاره داشته است، ولی در این کتاب نیز مانند پژوهش های پیشین، جای پژوهش جدی و قابل توجه درباره سیاق عصر صفوی و پیش از آن خالی است. البته یکی از علل این

که خواننده را سردرگم می کند که منظور از سیاق در واقع چیست. در بحث «امتیاز و مزایای خط سیاق» برخی از موارد امتیاز و مزیت به شمار نمی آید. مثلاً «سیاق از راست به چپ نوشته می شود و بر خلاف اعداد ریاضی است» (۶/۱) و برخی از موارد به نظر نمی رسد پشتوانه علمی داشته باشد یا اگر دارد شاهدهی در اثبات آن ارائه نشده و تنها به یک ادعا مانند است. به طور مشخص این عبارت: «خط سیاق، قلمرو و فرهنگی فراگیر از آن سوی مرزها از چین [!] و جاده ابریشم تا شبه قاره هند، ترکیه و حتی مصر را در بر می گرفت که خاستگاه تجارت و بودجه نویسی بخش مهمی از اقوام متمدن جهان قدیم بودند». (۷/۱) عبارت دیگری که سهواً رخ داده است این عبارت است: «در هیچ یک از گروه های تاریخ دانشگاه های ایران، سیاق تدریس نمی شود و معدود استادانی در خواندن آن تبحر دارند». (۷/۱) باید گفت که واحد درسی سیاق در رشته اسناد و مدارک آرشیوی و نسخ خطی در دانشگاه تهران، از سال ۱۳۸۷ تاکنون توسط استادانی چون جواد صفی نژاد، عمادالدین شیخ الحکمایی و محسن روستایی تدریس شده است.

ضعف در بحث های تاریخی

می توان گفت که آقای آشتیانی در بحث تعریف و قدمت سیاق بحثی اضافه بر آنچه آقای صفی نژاد در کتاب کوششی در آموزش خط سیاق نگاشته است ندارد و بر همان نقل قول هم ایراداتی وارد است. چنان که در بیشتر جاها از گیومه برای نقل قول مستقیم استفاده نشده است، گرچه کل مطلب را به کتاب صفی نژاد ارجاع داده است. نویسنده در اینجا ابتدا برداشت خود از نوشته های صفی نژاد را آورده است و سپس عین عبارت ایشان را، ولی متأسفانه با گیومه این تفاوت را مشخص نکرده است و این کار باعث تکرار در بحث و ارائه یک متن نامنسجم شده است. نکته دیگر این است که ذیل تیترا «سیاق در قرن هشتم»، تنها سه خط به شاهدهی از قرن ۸ اشاره کرده و در ادامه به سیاق در دوره قاجار و فرمان منسوخ شدن آن در دوره پهلوی می پردازد. (۴/۱ - ۶)

تصحیح، نه تألیف

عمده مطالب این کتاب دو جلدی از رسالات «مجمع الجواهر در علم سیاق و حساب»، «قوانین السیاق»، «بحر الجواهر فی علم الدفاتر» و «خلاصة الحساب: در قواعد و روش آموختن علم سیاق»، گردآوری شده است. اگرچه تصحیح این رسالات که نمونه های عالی در آموزش سیاق هستند، به خودی خود حائز اهمیت بسیاری هستند، ولی از کتابی که نام تصحیح بر خود ندارد، انتظاری بیش از این می رود، چنان که صفی نژاد کتاب خود

امر کم بودن اسناد و مکتوبات سیاقی باقیمانده از آن دوره‌هاست.

آوردن مطالب بی ارتباط و اضافی با عنوان کتاب

این مسئله باعث شده است که بی دلیل حجم کتاب زیاد شود، در صورتی که ارتباطی با دغدغه نویسنده، یعنی آموزش سیاق ندارد. برای مثال آوردن مباحث مربوط به «اعداد هندسه» در بخش‌های مختلف یا در بخش بیست و چهارم، «ثبت بروات و فرامین و احکام». شاید نمونه فرامین و حکم‌ها که به نوعی با مباحث مالی در ارتباط است، آوردنش خالی از فایده نباشد (که البته تنها یک عکس آمده است)، ولی فرمان حکومت یا حکم ریاست نظمی و عدلیه ارتباطی به این کتاب ندارد. (۷۰۹/۲ - ۷۱۸) همین طور بخش بیست و پنجم، «عنوانات و نوشته جات اشخاص و افراد» که اگرچه مبحث مفیدی در قواعد نگارش و شناخت اسناد و نامه‌ها است، ولی به سیاق مربوط نمی‌شود. (۷۲۱/۲ - ۷۲۷). دیگر در بخش بیست و ششم، «قاعدہ نوشتن اجناس در اسناد دیوانی»، اسامی اصناف و حرف و توضیح درباره آنها مربوط به این عنوان این بخش نیست و حداقل بهتر بود که در همان قسمت اصطلاحات ارائه می‌شد. در بخش سی ام، «نوشتن اسناد شرعی»، نمونه‌هایی از متن اسناد شرعی آمده که اگرچه به خودی خود در شیوه تنظیم اسناد شرعی حائز اهمیت است، ولی جایش در این کتاب نیست، چه برسد به آنکه یک بخش را به خود اختصاص دهد. به فرض که در این اسناد مبلغی هم به سیاق نوشته شده باشد، باز هم توجیه خوبی برای طرح آن نیست (۷۷۳/۲ - ۷۸۹). در بخش سی و یکم، «گاهشماري در اسناد سیاق»، مطالب زائد و اضافی نیز بسیار گفته شده است. چیزی که از این بخش انتظار می‌رود، بیان شیوه به‌کاربردن تاریخ در اسناد و دفاتر سیاقی بود. چه نیازی بود که مطالبی مانند «تقویم چیست»، «پیشینه تقویم در ایران» (مثلاً در دوره ساسانیان)، «مهم‌ترین مبدهای تقویم در جهان»، «کارکردهای تقویم» یا تبدیل تاریخ میلادی به شمسی یا قمری یا برعکس (مگر تاریخ میلادی در اسناد سیاق به کار می‌رفته؟) یا «ماده تاریخ» طرح شود. ایشان بحث دیگری هم درباره حروف ابجد و کاربرد آن در حساب و تاریخ آورده‌اند که متأسفانه هیچ نمونه عینی‌ای از آن در اسناد سیاقی ارائه نشده است و در پایان هم این عبارت نوشته شده است: «اگرچه عدد حروف دخیلی به قانون سیاق و سیاق اهل حساب ندارد، بابت نسخه از حساب هندسه از این قرار مرقوم شد» (۸۰۸/۲). آنچه که در این بخش جایش به واقع خالی است، بحث درباره تقویم دوازده‌گانه حیوانی در اسناد سیاقی و تبدیل سال‌های دوازده‌گانه حیوانی به

سال قمری و شمسی و بالعکس است که فکر می‌کنم بیشتر از این همه توضیحات مطرح شده، در اسناد سیاقی کاربرد دارد. (۷۹۱-۸۱۱). در بخش سی و پنجم «واژه‌نامه اسناد شرعی، تجاری، دیوانی، فرامین و احکام» آمده است. اول آنکه عنوان بدین تفصیل حقیقت ادا نشده است. دوم آنکه رسالت این کتاب اصلاً طرح چنین بحثی را نمی‌طلبد. سوم آنکه واژه‌هایی که آمده را از هر فرهنگ لغتی می‌توان یافت و نمی‌توان مدعی بود که جز این لغات در اسناد دیده نمی‌شود. لغاتی که در این بخش آمده لغاتی عام بوده و تخصصی نیست؛ مثلاً اسلاف؛ پیشینیان؛ اجاره؛ کرایه؛ رقمه؛ نامه و... (۱۰۱۳-۱۰۲۲)

کاربرد حروف ابجد در سیاق

استفاده از حروف ابجد در سیاق در دو بخش توضیح داده شده است. یکی در بخش ششم در مبحث ضرب اعداد در سیاق و یکی در بخش سی و یکم که بخش گاهشماري است. در مبحث ضرب که آقای آشتیانی مباحث کتاب مجمع‌الجواهر را آورده است نتوانسته ارتباط عمل ضرب را با حروف ابجد توضیح دهد و حتی سعی کرده است که قسمت‌هایی را از رساله در این مورد حذف کند، ولی این حذف نیز به درستی صورت نگرفته است و مطلب را نامفهوم کرده است. (۲۰۱/۲ - ۲۰۲) البته در بخش سی و یکم که بخش گاهشماري است، مبحثی در استفاده از حساب جمل در دفاتر سیاق (در تاریخ سنوات و روزنامهچه و حساب مردان مقنی) آورده، ولی سندی در کاربرد آن ارائه نشده است. (۸۰۳-۸۰۷)

سخن پایانی

در پایان باید گفت که کتاب حاضر توانایی تبدیل به منبعی جامع در آموزش سیاق را دارد که با تجدید نظر در آن به این مهم دست خواهد یافت. عمده‌ترین اشکالاتی که بر چاپ کنونی آن وارد است، نداشتن یک ساختار منظم برای ارائه مطالب است. تکرار مکررات، پراکنده‌گویی، ذکر مطالب زائد و مهم تراز همه تبدیل کتاب به کشکولی از اطلاعات رسالات قدیمی باعث پراکندگی اطلاعات در کتاب شده است و جای خالی توضیحات راهگشای آقای آشتیانی در بسیاری از بخش‌ها مشهود است. نتیجه این که این کتاب کتابی است سرشار از اطلاعات کمیاب و ارزشمند که در قالب علمی ارائه نشده است.